Vol. 13 | No. 3397 | Mon. Aug 31 . 2026 | دوشنبه ۹ شهریور ۱۴۰۵ | ۱۸ ربیع‌الاول ۱۴۴۸ | سال سیزدهم | شماره ۳۳۹۷ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

«تعادل» روند معاملات بازار را بررسی می‌کند

فتح قله ۶،۵ میلیونی در بورس

صفحه ۴

استثنا در نخستین آمار تجارت خارجی ۱۴۰۵
واردات خودرو ۶۰ درصد جهش کرد

خودرو خلاف جریان تجارت

صفحه ۷

پیام رهبر انقلاب به مناسبت هفته دولت و هفته وحدت:

دوگانه‌سازی ممنوع

قاطعانه اعلام می‌کنم ارتکاب هر آنچه به ضرر انسجام اجتماعی باشد، ممنوع است

۲

۲

یادداشت-۲

بورس در گذرگاه بلوغ

بهمن فلاح

بازار سرمایه در مقطعی حساس قرار دارد که می‌توان آن را دوران بازگشت نقدینگی و گسترش مشارکت نامید. برخلاف ماه‌های گذشته، اکنون شواهد عینی نشان از رشد همزمان کمی و کیفی بازار دارد. میانگین ارزش معاملات که به مرز ۴۰ هزار میلیارد تومان رسیده و افزایش تعداد کدهای معاملاتی فعال به حدود ۷۰۰ هزار کد، نشان‌دهنده ورود لایه‌های جدیدی از سرمایه‌گذاران به چرخه معاملات است. این رشد، تنها یک جهش موقت نیست، بلکه نشان از بازگشت اعتماد به زیرساخت‌های بازار دارد؛ هرچند که این اعتماد نیازمند مدیریت دقیق است تا از تکرار اشتباهات گذشته جلوگیری شود. تجربه تاریخی بازار ایران، به‌ویژه سال‌های ۹۲ و ۹۹، درس‌های بسیار مهمی برای فعالان بازار دارد. در آن دوره‌ها، سوءمدیریت و عدم نظارت دقیق بر جریان نقدینگی، در کنار «خطای ذهنی» سهامداران حقیقی، منجر به سقوط‌های دردناک شد. سهامداران حقیقی در آن مقاطع، با تصور رسیدن به سودهای چند صددرصدی و نجومی، وارد بازی‌های هیجانی شدند که در نهایت به ضررهای سنگین منجر شد. امروز، با توجه به اینکه هم سهامداران حقیقی و هم نهادهای حقوقی، تجربیات تلخ گذشته را از یاد نبرده‌اند، امید است که این دوره از رونق، به جای «شیدایی و توهم» به سمت یک «رشد ممتد و پایدار» حرکت کند. در این راستا، مسوولیت سازمان بورس در نظارت بر اطلاعیه‌های ناشران و کنترل کیفیت عرضه‌های اولیه (که باید متناسب با عمق بازار باشد) دوچندان شده است. عوامل متعددی در پشت صحنه این روند صعودی در حال حرکت هستند. از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تاثیرات مثبت سیاست‌های ارزی: با توجه به رشد قیمت دلار و شکل‌گیری بازار ارز توافقی در بانک‌ها، انتظار می‌رود که صادرکنندگان بتوانند از طریق این بستر، ارز خود را با نرخ‌های منطقی‌تر عرضه کنند. این روند باعث می‌شود که شکاف میان ارزهای مبادله‌ای و حواله‌ای به تدریج کاهش یابد و شرکت‌های صادرات‌محور بتوانند سود واقعی خود را در گزارش‌های مالی شناسایی کنند که این امر مستقیما بر ارزش بازار شرکت‌های صادرات‌محور اثر مثبت می‌گذارد.

ثبات در نرخ بهره: صحبت‌های اخیر مقامات اقتصادی (از جمله آقای همتی) مبنی بر عدم افزایش نرخ بهره، یکی از بزرگ‌ترین محرک‌های مثبت برای بازار سرمایه بود. این سیگنال، ریسک‌های مربوط به انتقال نقدینگی از بورس به سپرده‌های بانکی را به شدت کاهش داده و فضای روانی مثبت ایجاد کرده است. کاهش ریسک‌های سیستماتیک: برخلاف سال‌های گذشته، اثرات ناشی از «جنگ‌های روانی و اقتصادی» که همواره تهدیدی برای بازار بود، در حال خنثی شدن است. اقتصاد ایران در مواجهه با تحریم‌ها و نوسانات ژئوپلیتیک تجربه بالایی کسب کرده و این پایداری، اجازه می‌دهد بازار بر اساس متغیرهای اقتصادی واقعی حرکت کند. با انتشار گزارش‌های فروش ماه مردادماه در سامانه کدال، بازار وارد فاز جدیدی از تحلیل شده است. ما در حال حاضر شاهد یک «چرخش نقدینگی هوشمندانه» هستیم. نقدینگی از صنایعی که در دوره‌های گذشته رشد کرده‌اند، به سمت صنایعی که گزارش‌های مالی بهتر یا پتانسیل رشد بیشتری نسبت به روند کلی بازار دارند، حرکت می‌کند. انتظار می‌رود با بررسی دقیق گزارش‌های فصل دوم و تابستان، قیمت‌ها به سمت ارزش واقعی شرکت‌ها (Value-based pricing) بازگردد. با وجود تمام نکات مثبت، چالش‌هایی وجود دارد که می‌تواند مانند یک ترمز، مانع از رشد پایدار شود. معضل دامنه نوسان ۳ درصدی: یکی از بزرگ‌ترین دافعه‌های بازار در حال حاضر، محدودیت دامنه نوسان است. دامنه ۳ درصدی که در اصل برای مدیریت بحران طراحی شده بود، اکنون به یک مشکل مزمن تبدیل شده است. این محدودیت، به‌ویژه برای نسل جوان که به دنبال هیجان و نوسانات منطقی هستند، جذابیت بازار را از بین برده است. برای بازاری که در حال انجام عرضه‌های اولیه‌ای با ارزش‌های بسیار بالا (مانند تابان و فراتر از آن) است، این دامنه نوسان، با عقلانیت اقتصادی در تضاد است. ضعف زیرساخت‌های نرم‌افزاری: بار دیگر ثابت شده است که زیرساخت‌های کارگزاری‌ها و پلتفرم‌های آنلاین در مواجهه با افزایش حجم و ارزش معاملات، دچار مشکل پردازش می‌شوند. عدم توانایی در پردازش به‌موقع و عادلانه معاملات، می‌تواند منجر به ایجاد بی‌عدالتی در میان فعالان شود.

کارمزدهای سنگین: نرخ کارمزدهای پرداختی توسط سهامداران حقیقی، به شدت بالا ارزیابی می‌شود. برای جذاب‌تر شدن بازار، ضرورت دارد که کارمزدها بازنگری شده و به سطحی کاهش یابند که مانع از ورود نقدینگی جدید نشود. بازار سرمایه در مسیر درستی قرار دارد، اما این مسیر با چالش‌های ساختاری همراه است. کاهش ضرایب اعتباری توسط کمیته ریسک برای حقیقی‌ها و صندوق‌های اهرمی، گامی بسیار مثبت در جهت مدیریت ریسک و آینده‌نگری بود که باید با روند بازار به‌روز شود. اگر سازمان بورس بتواند میان نظارت دقیق بر ناشران، اصلاح زیرساخت‌های فنی و تعدیل محدودیت‌های نوسانی تعادل برقرار کند، این دوره از رونق می‌تواند به یک رشد ممتد و پایدار تبدیل شود که به سلامت کل اقتصاد کشور کمک خواهد کرد.

یادداشت-۳

سازمان همکاری شانگهای؛ از «پشتوانه امنیتی» تا «توازن چندجانبه»

بهمن اکبری

رییس‌جمهور ایران دوشنبه هفته جاری برای شرکت در اجلاس شانگهای راهی بیشکک می‌شود. بیست و پنجمین سالگرد تاسیس سازمان همکاری شانگهای در بیشکک پایتخت قرقیزستان در شرایطی برگزار می‌شود که این سازمان بار دیگر در ادبیات رسمی، به عنوان یکی از «پشتوانه‌های امنیتی» آسیای مرکزی معرفی شده است. اما برای سنجش این ادعا باید میان دو مفهوم متفاوت تفکیک کرد: «کارکرد امنیتی» و «تضمین امنیتی». سازمان همکاری شانگهای بی‌تردید یک نهاد مهم امنیتی-سیاسی در اوراسیاست؛ اما آیا یک پیمان دفاع جمعی نیز هست؟ پاسخ منفی است. اهمیت واقعی شانگهای را نه در تصویر یک «ناتوی شرقی» بلکه در توانایی آن برای مدیریت همزیستی قدرت‌هایی با منافع مشترک و در عین حال متعارض باید جست‌وجو کرد. این سازمان، بیش از آنکه امنیت را تضمین کند، بخشی از معماری نوظهور توازن در اوراسیاست.

امنیت؛ همکاری بدون تعهد دفاع جمعی: منشور سازمان همکاری شانگهای بر همکاری در حوزه‌های سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی تاکید دارد، اما برخلاف ناتو یا سازمان پیمان امنیت جمعی، تعهدی برای دفاع نظامی از یک عضو در صورت تجاوز خارجی ایجاد نمی‌کند. از این‌رو، اطلاق عنوان «اتحاد نظامی» به آن از نظر حقوقی و نهادی دقیق نیست؛ گرچه، تقلیل نقش امنیتی سازمان نیز خطاست. «ساختار منطقه‌ای مبارزه با تروریسم» یا RATS در تاشکند، سازوکاری برای تبادل اطلاعات، هماهنگی نهادهای امنیتی و مقابله با تروریسم، افراط‌گرایی و جدایی‌طلبی فراهم کرده است. رزمایش‌های مشترک و همکاری‌های انتظامی و اطلاعاتی نیز بخشی از ظرفیت امنیتی سازمان را تشکیل می‌دهند. تفاوت اساسی در اینجاست: شانگهای امنیت را هماهنگ می‌کند، اما آن را تضمین نمی‌سازد. بحران قزاقستان در ژانویه ۲۰۲۲ این تمایز را آشکار کرد. در آن بحران، نیروی خارجی اعزام شده به درخواست دولت قزاقستان از سوی سازمان پیمان امنیت جمعی بود، نه سازمان همکاری شانگهای. در مناقشه‌های مرزی قرقیزستان و تاجیکستان نیز سازمان نتوانست به سازوکاری تعیین‌کننده برای حل اختلاف تبدیل شود. ازاین‌رو، تجربه عملی نشان می‌دهد که ظرفیت امنیتی شانگهای عمدتا در پیشگیری، تبادل اطلاعات، هماهنگی و گفت‌وگو است، نه در مداخله نظامی یا حل الزام‌آور منازعات. اوکراین؛ آزمون جدید برای موازنه اوراسیا: جنگ روسیه و اوکراین از فوریه ۲۰۲۲ معادلات ژئوپلیتیکی اوراسیا را دگرگون کرد. تحریم‌های گسترده غرب علیه روسیه، تغییر مسیرهای تجارت و حمل‌ونقل، افزایش اهمیت چین در اقتصاد روسیه و تلاش کشورهای آسیای مرکزی برای کاهش آسیب‌پذیری در برابر تحولات روسیه، محیط راهبردی سازمان را تغییر داده است. این جنگ یک پارادوکس مهم ایجاد کرده است: از یک سو، فشار غرب بر روسیه و چین می‌تواند انگیزه همکاری اعضای شانگهای را افزایش دهد؛ از سوی دیگر، کشورهای آسیای مرکزی نمی‌خواهند رقابت قدرت‌های بزرگ، استقلال تصمیم‌گیری آنها را محدود کند. در نتیجه، جنگ اوکراین لزوما سازمان همکاری شانگهای را به یک بلوک ضدغربی تبدیل نکرده است، بلکه اهمیت سیاست موازنه‌گری و چندبرداری کشورهای آسیای مرکزی را افزایش داده است. این نکته برای فهم جایگاه ایران نیز اهمیت دارد. تهران می‌تواند از ظرفیت شانگهای برای توسعه ارتباطات اقتصادی، ترانزیتی و انرژی بهره گیرد، اما تبدیل عضویت در این سازمان به جایگزین همه مسیرهای دیپلماتیک و اقتصادی دیگر، با منطق چندجانبه‌گرایی آسیای مرکزی سازگار نیست.

اقتصاد؛ ظرفیت عظیم، نهادسازی محدود: سازمان همکاری شانگهای با عضویت ده کشور اصلی، به یکی از بزرگ‌ترین چارچوب‌های چندجانبه از نظر جمعیت، وسعت جغرافیایی و وزن اقتصادی تبدیل شده است؛ اما این ظرفیت الزاما به معنای شکل‌گیری یک بازار یا نظام مالی یکپارچه نیست. ایده ایجاد بانک توسعه، صندوق‌های مالی مشترک و افزایش استفاده از ارزهای ملی سال‌هاست مطرح است. با این حال، تفاوت ساختار اقتصادی اعضا، محدودیت تبدیل‌پذیری برخی ارزها، نوسانات ارزی...

ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۱

چرا اقتصاد ایران موجودات عجیب‌الخلقه می‌زاید؟!

حسین حقگو

«ما تعداد زیادی شرکت داریم؛ تامین اجتماعی، بانک‌ها، بیمه‌ها و شرکت‌های خصولتی دارای مجموعه‌های متعددی هستند که برخی از آنها کارآمد عمل نمی‌کنند. عده‌ای نیز بر اساس ارتباطات وارد این مجموعه‌ها می‌شوند و بعد حرف‌های دیگری می‌زنند.» (پزشکیان-گفت‌وگو با صدا و سیما-۱۴۰۵/۶/۶) «تراستی»ها یا به اصطلاح واسطه‌ها و کارگزاران مالی، نه اولین و بی‌شک نه آخرین موجودات عجیب‌الخلقه‌ای‌اند که در اقتصاد ایران زاده شده‌اند. موجودی که به گفته رییس قوه قضاییه از رسیدگی به ۳۵۸ پرونده این گروه حدود ۷،۵ میلیارد دلار نصیب دولت شده است. رقمی بزرگ‌تر از شش میلیارد دلاری که به گفته وی «برای وصول آن در فلان کشور جهد و تلاش می‌کنیم». (۱۴۰۵/۶/۳) قبل‌تر البته رییس سازمان بازرسی کل کشور از وجود ۹۴ میلیارد یورو تعهد ارزی رفع نشده سخن گفته بود (۲۰ هزار و ۶۷۶ شخص حقیقی و حقوقی در مجموع حدود ۹۴ میلیارد یورو تعهد ارزی ایفا نشده دارند-۱۴۰۵/۵/۱۸)

یکی دیگر از پدیده‌های اقتصادی کشورمان، بنگاه‌های عظیم اقتصادی است که نه خصوصی و نه دولتی و البته هم خصوصی و هم دولتی‌اند و به «خصولتی»ها معروفند. بنگاه‌هایی که از دل اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ و در قالب «بخش عمومی غیردولتی» وارد فضای اقتصاد کشور شدند. در حالی که از این بخش نه در قانون اساسی (طبق اصل ۴۴ اقتصاد ایران متشکل از سه بخش دولتی، خصوصی و تعاونی است) و نه در قانون مدنی از آنها نام و نشانی است و مبنای وجودی آنها معطوف به قانون محاسبات عمومی سال ۱۳۶۶ بوده است. اما همان دستاویز قانونی سبب شد نه فقط کل پروژه خصوصی‌سازی به انحراف رود، بلکه نظام بنگاهداری کشور در قالب زیرمجموعه بنیادها و نهادهای مذهبی و نظامی و اجتماعی و...، دچار مشکلات عظیم شود و اقتصاد کشور زیر سلطه آنها قرار گیرد. به طوری که طبق برخی گزارش‌های غیر رسمی مربوط به دو، سه سال قبل، دارایی تحت مالکیت این نهادها و بنیادها به عنوان «نهادهای بخش حاکمیتی»، حدود ۴۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شد. این نهادهای حاکمیتی در کنار بنگاه‌های وابسته به سایر نهادهای عمومی و شرکت‌های دولتی، عمده سهام‌های بورسی و دارایی شرکت‌های بزرگ (بین یک تا ۱۰ میلیارد دلار در حوزه‌های نفت و گاز و پتروشیمی، معادن و فلزات، هلدینگ‌های چندرشته‌ای، بانک و بیمه، خودرو، ارتباطات و فناوری و...) را در اختیار دارند و سهم بخش خصوصی بین ۲۰ تا ۳۰ درصد تخمین زده می‌شود.

در کنار این دو پدیده «تراستی»ها و «خصولتی»ها باید به شرکت‌های «هرمی» و «مضاربه»ای در دهه ۶۰ و موسسات مالی در دهه ۸۰ و ۹۰ خورشیدی و انواع شرکت‌های واسطه‌ای فروش خودرو و تلفن همراه و...(رضایت خودرو و کوروش کمپانی و...) اشاره کرد که دارایی بخش بزرگی از مردم را به غارت برده‌اند. مردمی که گناهشان غیر از مقداری طمع‌ورزی و سهل‌انگاری، عمدتا حفظ ارزش دارایی‌هایشان در روزگار تورم‌های افسارگسیخته بوده است.

پدیده‌های اقتصادی فوق و بسیاری دیگر از نمونه‌هایی از این دست و رواج رفتار سفته‌بازانه در جامعه از خرید و فروش سکه و دلار و خودرو و زمین و... همه ناشی از ضعف حکمرانی اقتصادی مبتنی بر «آزادی» و «رقابت» است. وقتی حق مالکیت و مبادله آزادانه محصولات و خدمات به عنوان حقوقی بدیهی و طبیعی سلب یا به شدت تضعیف می‌شود و محدودیت و انحصار جایگزین «رقابت» می‌شود، آنچه رشد می‌کند نه نهادهای سالم و بنگاه‌های کارآمد اقتصادی و سرمایه‌گذاری معقول آحاد اجتماعی، بلکه مجموعه در هم تنیده‌ای از شبکه‌های فساد مافیایی و بنگاه‌های عظیم زیانده یا سودده از محل رانت انرژی و تسهیلات و منابع طبیعی ارزان و شاید مفت و مردمی مستاصل و غیرخلاق و...است.

در همین روزهایی که متاسفانه کشورمان درگیر جنگ ۴۰ روزه و تبعات آن بوده و افراد و گروه‌های منتفع از فضای جنگی و تحریمی همچنان بر این طبل می‌کوبند و با هر گونه آزادی اقتصادی و البته سیاسی و اجتماعی (نمونه آن طرح نفوذ در مجلس) می‌ستیزند و مذاکره و تفاهم و توافق را خیانت عنوان می‌کنند، گروه‌هایی که حتی معاون رییس دولت هم جرات افشای نام آنها را ندارد و «اگر بخواهم دکان آنها را تعطیل کنم، شیشه‌هایم را خرد می‌کنند» (سقاب اصفهانی-۶/۲)، اقتصاد کشورمان به گزارش صندوق بین‌المللی پول دچار خسارت‌هایی تا ۶۰۰ میلیارد دلار شده و ۷ درصد نیروی کار خود را از دست داده است. اما در مجاورت کشورمان، ترکیه از محل این جنگ سودهای هنگفت نصیب برده و با حذف بنادر امارات و سایر کشورهای خلیج‌فارس از معادلات تجاری، «استانبول» به یک چهارراه تجاری برای کسب و کار بین آسیای مرکزی، خاورمیانه و اروپا تبدیل شده است. چنانکه کارگران اسکله‌ها می‌گویند: «از زمان بسته شدن تنگه هرمز، حجم بار سه برابر شده است» و...

ادامه در صفحه ۳

تورم ۶۹،۹ درصدی در مرداد ۱۴۰۵

چرا فشار گرانی بیش از همه بر سفره خانوارها سنگینی می‌کند؟

تورم در اقتصاد ایران دیگر صرفا یک شاخص آماری نیست؛ بلکه مهم‌ترین متغیری است که کیفیت زندگی میلیون‌ها خانوار را تعیین می‌کند. در شرایطی که اقتصاد کشور همچنان درگیر پیامدهای جنگ، محدودیت‌های تجاری، فشار بر منابع ارزی و کسری بودجه است، حفظ ثبات بازار و تأمین معیشت مردم به مهم‌ترین اولویت سیاست‌گذاری اقتصادی تبدیل شده است. اگرچه دولت در ماه‌های گذشته توانسته از بروز کمبود گسترده کالاهای اساسی جلوگیری کند و زنجیره تأمین را حفظ کند، اما چالش اصلی امروز نه موجود بودن کالا، بلکه افزایش مداوم قیمت‌ها و کاهش قدرت خرید خانوارهاست. تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران نیز همین واقعیت را تأیید می‌کند. براساس این گزارش، نرخ تورم سالانه در مردادماه به ۶۹.۹ درصد رسیده و تورم نقطه‌به‌نقطه خانوارها نیز ۸۹ درصد ثبت شده است؛ به این معنا که خانواده‌های ایرانی برای خرید یک سبد مشابه نسبت به مرداد سال گذشته به‌طور متوسط ۸۹ درصد هزینه بیشتری پرداخت می‌کنند. این ارقام نشان می‌دهد اگرچه اقتصاد از شوک کمبود کالا عبور کرده، اما معیشت مردم همچنان زیر فشار سنگین گرانی قرار دارد...

صفحه ۳ را بخوانید

فرشاد مومنی، اقتصاددان:

گام نخست هر اصلاحی توزیع عادلانه قدرت است

فرشاد مومنی نسبت به آنچه «تغییر مسیر مالکیت دارایی‌های عمومی و منابع طبیعی» خواند، هشدار داد و گفت: پیوند رانت، فساد، عدم شفافیت و ناکارآمدی، امروز نه تنها محیط زیست بلکه بخشی از دارایی‌های بین نسلی کشور را در معرض تهدید قرار داده است. نمی‌توان برای تامین نیازهای مالی کوتاه‌مدت، دارایی‌های بین‌نسلی را واگذار و هزینه آن را به نسل‌های آینده تحمیل کرد. فرشاد مومنی در نشست «مبارزه با فساد در حکمرانی منابع طبیعی: نگاهی به ارزیابی اثرات محیط زیستی» که در موسسه مطالعات دین و اقتصاد برگزار شد، با بیان اینکه با پیوندی که میان رانت، عدم شفافیت، فساد و ناکارآمدی برقرار شده، امروز فقط محیط زیست نیست که در معرض نابودی قرار گرفته، بلکه مجموعه‌ای از ظرفیت‌ها و دارایی‌های ملی نیز با تهدید مواجه است، یادآور شد: چند سال پیش رییس سازمان نظام مهندسی درباره وضعیت سکونتگاه‌های کشور و رعایت الزامات محیط زیستی هشدار داده و عنوان کرده بود که ۹۰ درصد سکونتگاه‌های کشور در معرض خطر بلایای طبیعی قرار دارند. این مساله نشان می‌دهد که ابعاد مخاطراتی که با آن مواجه هستیم، بسیار فراتر از موضوعات معمول محیط زیستی است. رییس موسسه مطالعات دین و اقتصاد ادامه داد: با وجود همه آنچه بر سر ایران از ناحیه خشکسالی بی‌سابقه آمده، اوایل سال ۱۴۰۲ وزیر وقت نیرو اعلام کرد که همچنان ۱۲ سد بزرگ، متوسط و جدید در حال احداث است. این وضعیت نشان می‌دهد که برخی فشارها و منافع تا چه اندازه می‌تواند بر تصمیم‌گیری‌های مربوط به منابع طبیعی و محیط زیست اثرگذار باشد.

◄ برخی احکام برنامه هفتم زمینه تعرض به منابع طبیعی را فراهم می‌کند

مومنی روند تخریب منابع طبیعی کشور را نگران‌کننده دانست و گفت: از زمان مطرح شدن لایحه برنامه هفتم توسعه در دولت، نسبت به برخی احکام آن هشدار دادم و متاسفانه هرچه جلوتر می‌آییم، ابعاد نگرانی درباره این موضوع بیشتر می‌شود. در این زمینه، به‌ویژه باید نسبت به احکامی که می‌توانند زمینه تعرض به دارایی‌های عمومی و منابع طبیعی را با استفاده از سازوکارهای جدید فراهم کنند، حساس بود.

◄ دارایی‌های ملی از مسیر خصوصی‌سازی در حال کاهش است

وی با بیان اینکه دارایی‌های ملی مرتبط با اصل ۴۴ قانون اساسی، از مسیر خصوصی‌سازی در حال کاهش است، تاکید کرد: اگر این روند ادامه پیدا کند، ممکن است نگاه‌ها به سمت ظرفیت‌های مرتبط با اصل ۴۵ قانون اساسی، یعنی انفال و ثروت‌های عمومی، معطوف شود. یکی از نگرانی‌های جدی این است که با تغییر نوع مالکیت برخی دارایی‌ها از «مالکیت عمومی» به «مالکیت دولتی»، زمینه برای واگذاری و فروش آنها فراهم شود. این مساله، به‌ویژه در مورد منابع طبیعی، رودخانه‌ها و سایر دارایی‌های بین‌نسلی، می‌تواند پیامدهای بسیار خطرناکی برای آینده کشور داشته باشد. این اقتصاددان به برخی احکام برنامه هفتم توسعه اشاره کرد و گفت: در برنامه هفتم، سازوکارهایی پیش‌بینی شده که می‌تواند چنین مسیری را تسهیل کند. اگر چنین روندی تحقق پیدا کند، ممکن است آخرین حفاظ‌های باقی‌مانده برای صیانت از محیط زیست ایران نیز در معرض تاراج قرار گیرد. به همین دلیل، لازم است در این زمینه یک فراخوان عمومی و کارشناسی شکل بگیرد و ابعاد این موضوع به‌طور جدی مورد بررسی قرار گیرد. اخیرا دیوان عدالت اداری در برابر یکی از تلاش‌ها برای واگذاری چنین دارایی‌هایی، حکمی صادر کرد و معامله را ابطال کرد. این اقدام بسیار شرافتمندانه و نشانه‌ای از حساسیت نسبت به حفظ دارایی‌های عمومی بود. این موضوع از منظر پیوند میان فقه انفال و حفاظت از دارایی‌های عمومی نیز اهمیت زیادی دارد.

◄ نمی‌توان با استدلال‌های کوتاه‌مدت اقتصادی و مالی، انفال را در معرض واگذاری قرار داد

مومنی ادامه داد: متاسفانه در میان دستگاه‌های مختلف، در چارچوب مجوزهایی که قانون برنامه هفتم فراهم کرده، نوعی مسابقه برای استفاده از این ظرفیت شکل گرفته است. استدلال نیز این است که «پول نداریم» و باید از این طریق منابع مالی مورد نیاز تامین شود. اما چنین رویکردی می‌تواند نقطه عطف بسیار خطرناکی را در نحوه برخورد با دارایی‌های عمومی ایجاد کند. کارشناسان شریف این حوزه، بارها هشدار داده‌اند که در قانون اساسی و قوانین موضوعه ایران، به رسمیت شناختن انفال به عنوان دارایی بین‌نسلی، ریشه‌های عمیقی دارد. بنابراین نمی‌توان با استدلال‌های کوتاه‌مدت اقتصادی و مالی، این دارایی‌ها را در معرض واگذاری قرار داد.

◄ برخی دستگاه‌ها به دنبال مالکیت بر منابع طبیعی هستند

رییس موسسه مطالعات دین و اقتصاد افزود: برخی دستگاه‌های ذی‌نفع، تکنولوژی حقوقی جدیدی را مطرح کرده‌اند و می‌گویند اگر قرار است وظایف حاکمیتی خود را انجام دهیم، باید مالکیت این دارایی‌ها نیز در اختیار ما باشد. در واقع، به بهانه نداشتن مالکیت، از انجام برخی وظایف حاکمیتی خودداری می‌شود و این استدلال می‌تواند باب بسیار نگران‌کننده‌ای را در زمینه مالکیت منابع طبیعی باز کند. امیدوارم دیوان عدالت اداری بر این رویکرد استوار بماند و اجازه ندهد فشارها و منافع ذی‌نفعان، این مسیر را تغییر دهد. حفظ منابع طبیعی و دارایی‌های عمومی، مساله‌ای مربوط به یک دستگاه یا دولت خاص نیست؛ موضوعی مربوط به منافع نسل‌های آینده ایران است. مومنی تاکید کرد: در ادبیات توسعه، بارها گفته شده است که هر سیاست و تصمیمی که برای تامین مالی امروز اتخاذ می‌شود، باید با هزینه‌ها و پیامدهای آن برای آینده کشور سنجیده شود. نمی‌توان برای حل مشکلات کوتاه‌مدت مالی، دارایی‌های بین‌نسلی را واگذار کرد و هزینه‌های آن را به نسل‌های آینده تحمیل کرد.

◄ گام نخست هر نوع اصلاحی عادلانه کردن توزیع قدرت است

استاد گروه برنامه‌ریزی و توسعه اقتصادی دانشگاه علامه‌طباطبایی در ادامه سخنان خود ضمن تاکید بر نقش ساخت سیاسی در مسیر توسعه یا اضمحلال کشور، گفت: در ادبیات توسعه گفته می‌شود هر تصمیم و سیاستی که به سمت توسعه یا اضمحلال حرکت می‌کند، در همه عرصه‌ها، اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و بین‌المللی، ریشه در ساخت سیاسی دارد. گام نخست هر نوع اصلاحی، عادلانه کردن توزیع قدرت است. هیچ اولویتی برای بهبود و ارتقای عملکرد اقتصادی به اندازه عادلانه کردن توزیع قدرت اهمیت ندارد. از همین منظر، مشارکت مردم در سرنوشت سیاسی و اقتصادی خود می‌تواند جریان توسعه را در برابر اضمحلال تضمین کند. وی به گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس درباره وضعیت محیط زیست کشور اشاره کرد و یادآور شد: مرکز پژوهش‌های مجلس در مردادماه ۱۴۰۰ گزارشی درباره آسیب‌شناسی بخش محیط زیست منتشر کرد. همچنین گزارش دیگری با عنوان «بررسی لایحه برنامه هفتم» منتشر شد که بخشی از آن به محیط زیست اختصاص داشت. جداول این دو گزارش را با یکدیگر ادغام کردم و نتیجه بسیار تکان‌دهنده بود؛ نتیجه‌ای که شدت اهمیت عادلانه کردن توزیع قدرت را نشان می‌دهد. این داده‌ها نشان می‌دهد که اصلاح پایدار سیاسی در غیاب توزیع عادلانه قدرت امکان‌پذیر نیست. از نظر شاخص عملکرد محیط زیستی، بزرگ‌ترین سقوط‌های ایران در دوره‌هایی اتفاق افتاده که حکومت یکدست شده است؛ یعنی دوره‌هایی که به تعبیر رایج، همه «خودی» شده‌اند و نیروهای «غیرخودی» از عرصه تصمیم‌گیری حذف شده‌اند.

◄ سقوط شاخص محیط زیست ایران از رتبه ۵۳ به ۱۱۴ در سال‌های ۸۵ تا ۹۱

رییس موسسه مطالعات دین و اقتصاد گفت: یکی از این نمونه‌ها، مقایسه عملکرد محیط زیستی ایران در سال ۱۳۸۵ با سال ۱۳۹۱ است. سال ۱۳۸۵، ایران از نظر شاخص عملکرد محیط زیستی در رتبه ۵۳ جهان قرار داشت، اما در سال ۱۳۹۱ به رتبه ۱۱۴ سقوط کرد؛ یعنی طی این فاصله، ۶۱ رتبه کاهش داشتیم. تجربه دوم نیز بسیار قابل تامل است. در سال ۱۳۹۹، ایران از نظر شاخص عملکرد محیط زیستی رتبه ۶۷ جهان را داشت...

ادامه در صفحه ۳